



حد و مرز انتقاد از همسر چیست؟

این یادداشت قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که: «حد و مرز انتقاد از همسر چیست؟»

*مصطفی سلیمانی: این یادداشت قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که: «حد و مرز انتقاد از همسر چیست؟» به گزارش سلامت نیوز به نقل از شفقنا، زمانی که این سؤال را از زنان و مردان می پرسیم، عموماً با برداشت های متفاوتی از جانب آن ها روبه رو می شویم:

الف. انتقاد بدون مرز و صریح:

برخی افراد هیچ حد و مرزی را برای انتقاد از همسرشان قائل نیستند و بر این اعتقادند که باید راحتی مطلق در بیان انتقاد وجود داشته باشد و این طور می گویند که: نیازی نیست زن و مرد برای انتقاد آدابی را نسبت به هم رعایت کنند؛ زیرا آن قدر به هم نزدیک هستند که بتوانند انتقاداتشان نسبت به دیگری را بدون ناراحت شدن و به صورت صریح مطرح کنند.

ب. انتقاد با مرز و رعایت آداب:

گروهی دیگر به این عقیده قائلند که اتفاقاً به دلیل صمیمیت و دوستی بیش تر زن و شوهر، رعایت آداب و مرزهای انتقاد بسیار ضروری تر می نماید؛ زیرا صمیمیت، گاهی آدمی را در بیان انتقادات، زودرنج و خجالتی می کند و بنابراین ممکن است او را مبتلا به سانسور کند.

_ به نظر نویسنده، گرچه در برخی عبارات این طور آمده است که: «تسقط الآداب بین الاحباب؛ بین دوستان آداب ساقط می شود»، اما مسأله انتقاد مسأله ای متفاوت با سایر مسائل است؛ زیرا باید در نظر داشت که اگر افراد به خاطر احساس دوستی و رفاقت با یک شخص به او نزدیک می شوند، اگر انتقاد و تذکری هم به او وارد باشد، باید با توجه به روحیاتی که دارد نسبت به تذکر و انتقاد به او وارد عمل شوند، نه اینکه از باب دوست و همسر بودن، هر آن چه نسبت به او در دل دارند را بر زبان جاری سازند.

_ نکاتی چند در راستای انتقاد سالم و تأثیرگذار با رعایت حد و مرز:

۱. انتقاد، ایجاد رنجش نیست:

رعایت حد و مرز لزوماً به این معنا نیست که زن و شوهر باید به خاطر رنجشی که به احتمال زیاد برای طرف مقابلشان پیش می آید، از انتقاد کردن فراری باشند؛ بلکه به این معناست که باید توجه داشت که زن و شوهر به هر حال برای رشد و کمال به انتقاد نیاز دارند و وجود انتقاد در نهایت می تواند موجبات صلح و وحدت میان این دو را فراهم کند.

۲. انتقاد، توهین نیست:

زن و مرد هر گاه ضعفی از یکدیگر می بینند که می تواند به خود و زندگی شان آسیب بزند، می بایست بتوانند با آرامش و لطافت، شخص مقابل را نسبت به آن ضعف قانع کنند. اگر انتقاد بتواند موجب عشق و محبت بیش تر زن و مرد نسبت به هم شود، به هیچ وجه توهین قلمداد نخواهد شد. بلکه این ویرانی و کدورت در رابطه است که به نوعی توهین محسوب می شود و باید برای دشوار نشدن شرایط زندگی هم که شده از آن دور شد.

۳. انتقاد، خروج از اعتدال نیست:

ذکر این نکته بسیار ضروری است که همان طور که انتقاد ناسالم و نابجا می تواند به خانواده آسیب جدی بزند و فضای خانواده را به جای شادکامی با تلخ کامی پر کند، انتقاد محبت آمیز هم می تواند جلوی خصومت و دشمنی را بگیرد. انتقاد اگر در زمان، جایگاه و موقعیت مناسب خود و با روش صحیح و درست و همچنین با رعایت اصل اعتدال صورت بگیرد، یک شیوه تربیتی کارآمد و مؤثر است. و در طرف مقابل، آشکار است که انتقاد با روش نادرست و تحریک آمیز، به یک ضد تربیت مبدل خواهد شد.

۴. انتقاد، دور از تغافل نیست:

گاهی در توضیح و تشریح مسائل اخلاقی خانواده، موضوعاتی چون «تغافل» مطرح می شوند که به هر روی، با روشن شدن معنای مختصری از این موضوعات هم که شده، باید سعی بر این داشت که از این مسائل معانی غلط برداشت

نشود.

«تغافل»، هرگز به این معنا نیست که ما به عنوان زن یا مرد، همیشه باید از ایرادها و عیوب همسر خود چشم پوشیم، بلکه باید دانست که تغافل تنها در برخی از موارد زندگی، جایگاه دارد و در نتیجه، در سایر موارد باید با یک شیوه صحیح و سنجیده، به اصلاح رفتار اشتباه همسر پرداخت. همسرانی که همه مشکلات شخصی همسر و زندگی شان را به بهانه «تغافل» نادیده می گیرند، باید بدانند که با روش رفتاری که در پیش گرفته اند، چالش های زندگی شان را دوچندان می کنند.

هر گاه از یک سو، انتقادات وارده به همسر مطرح نشود و از طرف دیگر، فقط به تعاریف نابجا از او بسنده شود، مشکلات موجود در زندگی زناشویی پیچیده تر می شود و حلقه هایی از مشکلات جدید به وجود می آید که می تواند به راحتی همسران را دچار آفت خودبزرگ بینی کند.

*روانشناس